**بسم الله الرحمن الرحیم**

**ظنون**

**حجیت ظنون**

**حجیت ظواهر**

**قول اللغوی منشأً للظهور التصوری أم لا؟**

**حجیت اجماع منقول**

**جلسه شست و سوم\_ دو­شنبه 14 اسفند 1396**

این مطلب مسلم است که ما اگر خودمان باشیم و اطلاعاتی که از ززبان عرب داریم، در تعدادی از واژه­ها دچار مشکل می­شویم که معنای دقیق این کلمه چیست، حال چه در قران کریم، چه در روایات و چه در متون دیگر؛ پس یک نوع انسدادی است در فهم تعدادی از واژه­ها حتی برای کسی که آشنا به زبان عرب هم باشد. منظور مان این است کا باید خودمان را به عصر صدور نص ببریم تا معنای دقیق واژه برای ما معلوم بشود و این به خودی خود شدنی نیست. شکستن این بن بست با یک راه و یک وسیله هم نیست ولی آن چه که مهم است برای ما چنانکه دیروز عرض کردم، ظهور تصوری کلمات محقق بشود.

یکی از امور مهمه ایی که می­تواند ظهور ساز باشد، ظهورا تصوریا، کتب لغت است. لذا همان ها که در حجیت قول لغوی تردید دارند یا نفی می­کنند خود در فقه و تفسیر به لغت مراجعه می­کنند. این هم تناقض نیست. این را هم نگویید چرا در اصول آن طور عمل می کنید در فقه اینگونه عمل می کنید.

این ها می خواهند بگویند به صرف دیدن کتب لغت ظهور برای جمله درست نمی­شود. ما یکی از مناشئ ظهور را قول لغوی می­دانیم و لذا در فقه و تفسیر مراجعه می کنیم. چون برای فقیه و مفسر کشف ظهور است که لغت می تواند در این کشف کمک کند. اما نکاتی در این زمینه است:

1. اقدمیت خود یک وجه امتیاز است. هر چه آن کتاب لغوی مقدم تر باشد این بهتر است.
2. بنای کتاب لغت بر استدلال و استنباط نباشد و اگر بنابر استدلال و استنباط شخصی است دلیل اش را بیان کند ما مراجعه کنیم ببینیم دلیل اش را می پذیریم یا نه.

وقتی مراجعه به کتب لغت شد اگر با جمع قرائن دیدید دارد موضوع له را بیان می کند، خیلی راحت می آیید جلو و اگر موارد استعمال را بیان می کند و لی استفاده کردید که موارد استعمالش قلیل نیست، این خودش منشا طهور است.

1. ولی مراجعه به کتب لغت لازم است و حتمی است ولی همه جا کافی نیست برای انعقاد ظهور. آن ها که می گویند حجت نیست منظورشان این نیست. این­ها شرط لازم انعقاد ظهور را بگویند، ما شرط لازم انعقاد ظهور را، شرط لازم را مراجعه به کتب لغت می دانیم ولی شرط کافی نیست چون باید خود شما در همین واژه بالخصوص این واژه را در قران و حدیث تتبع کنید ببنید ناظر به چه معنا و چه مقصودی در قرآن و حدیث بکار برده شده است چه بسا نکاتی برای شما از تتبعی در خود این واژه در خود قرآن و روایات استفاده بشود. نمی خواهد ظهور کلام عرب را در هر جا بیان کنید گاهی خود قران که به زبان عربی مبین هم هست، یک سبقه ایی را از معنا در نظر می گیرد و این واژه را بکار می برد. یک اشاره شد به کلمه ذنب. شما نباید این کلمه را تنها با لغت بروید جلو. این فقط کافی نیست. بخواهید ذنب را در قران خوب بفهیمد باید این واژه را در قرآن هم بررسی کنید.

پس نتیجه کلام اینکه مراجعه به لغت برای تشکیل و انعقاد ظهور تصوری شرط لازم است البته لغوی که باشد، خصوصیات کتب لغوی چی باشد که ما عرض کردیم الاقرب فالاقرب.

یک نکته دیگر را هم بیان کنیم بعضی از کتب لغت حضرت آقای سیستانی می فرماید، مفردات راغب لیسیده لغت را معنا نیم کند گرایشات عقلی و کلامی درش دخالت دارد . مصباح فیومی گرایشات فقهی در آن ملاحظه می­شود.

این ها را باید دقت کرد، فلسفه ، کلام و فقه و امثال این علومی است که بعد از علم لغت تشکیل شده است نباید این اصطلاحات با معنای لغوی خلط شود.

هذا تمام الکلام در بحث حجیت قول لغوی.

رسیدیم به بحث حجیت اجماع منقول. حق این بود که کفایه و من تبعه، بحث حجیت اجماع و منقول را بایندازند بعد از حجیت خبر واحد و نیز حق بود اول اجماع محصل را بحث کنند بعد اجماع منقول را. البته چون کا به ترتیب کفایه پش میرویم این جا هم به همین نحو بیان می کنیم.

مرحوم شیخ انصاری رضوان الله تعالی علیه در اینجا دسته بندی خوبی دارد مقدمتا تا برسد به جایگاه اجماع منقول. می فرماید که اخبار از یک شیء اقسامی دارد:

1. اخبار عن حسٍ و مشاهدةٍ. در این جا اگر آن مخبر مورد وثوق شما باشد، حرفش را قبول می کنید. احتمال می­دهید دروغ می گوید چون موثق می دانید اش تا علم به دروغ پیدا نکنید حکم به صحت می کنید و احتمال غفلت را هم با اصل عدم غفلت حل می کنید.
2. اخبار از یک امر محسوس در عین اینکه احتمال می­دهیم اخبارش حدسی باشد.مثلا احتمال می دهیم از صدای رعد و برق خبر از باران می دهد. شیخ می فرماید این مثل قسم اول شما باید احراز کنید که حدسی است.

این توضیح بیشتری می خواهد ان شاء الله جلسه اتی.

**و صلی الله علی محمدٍ و آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.**